

Characteristics of the Political Culture of Ruling Elites from Saadi's Perspective*

Mohammad Taghi Ghezelsofla ¹

Abuzar Delavar ²

1. Associate Professor, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.

m.ghezel@umz.ac.ir

2. PhD Candidate in Political Science, University of Mazandaran, Iran (Corresponding Author).

abdelavar60@gmail.com



Abstract

Persian literature represents a major part of the history of Iranian thought. Among its figures, Muslih al-Din Saadi Shirazi stands as a cornerstone—often hailed as the "second Ferdowsi." This article explores Saadi's political thought through the lens of the characteristics and components of the political culture of ruling authorities. It focuses in particular on the cognitive, evaluative, and emotional dimensions of political culture as reflected in Saadi's works. His outlook, attitudes, values, and sentiments—markers of his political culture and his position on the ruling elite of his time—can be traced throughout his writings. From this angle, the study seeks to understand the political culture of ruling elites as envisioned by Saadi. The findings suggest that, in Saadi's view, this culture is manifested both realistically and ideally in various forms—ranging from feelings of political insecurity to rationalism, a commitment to justice, and a moderate approach. These characteristics appear to be especially prominent in Saadi's portrayal of the political culture of ruling elites. The study draws

* Ghezelsofla, M. T. & Delavar, A. (2024). Characteristics of the Political Culture of Ruling Elites from Saadi's Perspective. *Journal of Political Science*, 27(108), pp. 84-116.

<https://doi.org/10.22081/PSQ.2025.69006.2885>

□ **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

* **Type of article:** Research Article

□ **Received:** 2024/11/10 • **Revised:** 2024/11/28 • **Accepted:** 2024/12/08 • **Published online:** 2024/12/25

© The Authors



primarily on *Kulliyat-i Saadi*, based on the edition by Mohammad Ali Foroughi. Methodologically, the research adopts an interpretive approach and uses qualitative content analysis, with data collected through library sources.

Keywords

Saadi's political thought, political culture, ruling elites, Iranotopia.



ویژگی‌های فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم از منظر سعدی *

محمدتقی قزلسفلی^۱ ابوزر دلاور^۲

۱. دانشیار، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

m.ghezel @umz.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول).

abdelavar60@gmail.com



چکیده

ادب فارسی بخش مهمی از تاریخ اندیشه ایرانی را نمایندگی می‌کند و در این میان، مصلح‌الدین سعدی شیرازی یکی از مهم‌ترین ستون‌های فرهنگ و ادب فارسی است و از او با عنوان «فردوسی ثانی» یاد می‌کنند. هدف این مقاله آن است تا اندیشه سیاسی سعدی را از چشم‌انداز ویژگی‌ها و مولفه‌های فرهنگ سیاسی صاحبان قدرت بررسی کند. تمرکز بر ابعاد فرهنگ سیاسی (شناختی، ارزیابی، احساسی) در آثار سعدی، در کانون توجه این پژوهش است. نگرش، ایستارها، ارزش‌ها و احساسات سعدی که نشان‌دهنده فرهنگ سیاسی و تعیین‌کننده جهت‌گیری او درباره نخبگان حاکم زمانه او می‌باشد، در متون او قابل ردیابی است. از این منظر، تلاش شده است از دیدگاه سعدی فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم فهم شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم از دیدگاه سعدی به صورت عینی و آرمانی به اشکال مختلف از احساس ناامنی سیاسی، عقل‌گرایی، عدالت‌گرایی، اعتدال‌گرایی بازتاب یافته است. به نظر می‌رسد این ویژگی‌ها از فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم در آثار سعدی برجستگی

* **استناد به این مقاله:** قزلسفلی، محمدتقی؛ دلاور، ابوزر. (۱۴۰۴). ویژگی‌های فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم از منظر سعدی. سیاسی، ۲۷(۱۰۸)، صص ۸۴-۱۱۶.

<https://doi.org/10.22081/PSQ.2025.69006.2885>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، ایران؛ © نویسنده گان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵



بیشتری دارد. مبنای کار این مقاله، کلیات سعدی بر اساس تصحیح و طبع محمدعلی فروغی است. پژوهش حاضر با رویکرد تفسیری و روش کیفی از نوع تحلیل محتوا بوده و گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌ها

اندیشه سیاسی سعدی، فرهنگ سیاسی، نخبگان حاکم، ایران شهری.

مقدمه

ابو محمد مُشرف‌الدین مُصلح بن عبدالله، متخلص به سعدی (۶۰۶-۶۹۰ ق)، غزل‌سرا و نثرنویس پرآوازه ایرانی، به دلیل هنر شاعری، محتوای عالمانه کلام و شیوایی سخنش به «افصح المتکلمین» مشهور شده است. به رغم فضای عرب‌گرایی و ارتباط او با نظامیه بغداد، برای نوشتن و بیان احساسات خود، زبان فارسی تنها گزینه او بود. امرسون^۱، ادیب و متفکر معروف، گلستان سعدی را هم‌تراز انجیل دانسته و حبیب یغمایی، پژوهنده ادب و فرهنگ ایرانی، او را پیامبر ایرانی خطاب کرده است (میلانی، ۱۳۸۷، ص. ۷۶). فارغ از شأن والای سعدی در ادبیات ایران، آرا و اندیشه‌های سیاسی او به عنوان یک اندیشمند واقع‌بین و انتقادی دارای اهمیت و قابل بررسی است.

سعدی نماینده پایان عصر زرّین فرهنگ ایرانی است که با نخستین دهه‌های سده هفتم آغاز و با یورش مغولان تکمیل شد. از این قرار او فرزند زمانه‌ای بود که روح حاکم بر آن همانا باور به ناپایداری دنیا و حاکمیت تقدیر در زندگی انسان‌ها بوده است. چه خرابی‌ها و خشونت‌های گسترده ناشی از تهاجم ایلغار تار، وضع نامناسب اقتصاد و معیشت، رواج انواع انحرافات اخلاقی و اجتماعی، هریک زمینه‌ساز شیوع تفکر دنیاگریزی و تقدیرگرایی شده بودند. او که زندگانی‌اش را «در ناامنی و آشوب مداوم» (ویکنز و هاتسک، ۱۳۸۳، ص. ۴۹) می‌بیند، زبان و ادب را به مجرای بیان اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی و اخلاقی تبدیل می‌کند؛ به این ترتیب برای امثال سعدی، ادب فارسی در عین حال که امکانی بر ترویج اخلاق درست زندگی است، به عنوان متنی اندرزنامه‌ای، شکلی از تداوم اندیشه «ایران‌شهری» نیز بوده است؛ چنان‌که برای فردوسی، خواجه نظام، مسکویه رازی و بسیاری دیگران، زبان فارسی محملی برای تکوین و انتقال اندیشه ایران‌شهری بوده است (طباطبایی، ۱۴۰۰، ص. ۳۱۲)؛ به سخن دیگر میراث‌های ادبی، نمایش پنهان از اندیشه ایرانی در مقاطع مختلف تاریخی بوده است. از دیدگاه تاریخ اندیشه سیاسی، اندیشه ایران‌شهری در جای‌جای آثار ادبی اندیشمندان گوناگون ایرانی،

1. Emerson.

همچون سعدی وجود دارد و بسیاری از ظرافت‌های اندیشه‌ای آنها را نمی‌توان بدون نظری «سیاسی» فهم کرد (طباطبایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۹). جواد طباطبایی با طرح ایده «جدید در قدیم» معتقد است فرهنگ و ادب ایران زمین توانسته است ناحیه‌هایی در فکر ما ایجاد کند که از چشم ژرف‌اندیش پنهان مانده است. این ناحیه‌های «جدید در قدیم»، محل پناه‌جستن ادب ایرانی در سایه اندیشیدن ایرانی است. از این منظر شاید بتوان در یک خط زمانی، تاریخ گذشته و معاصر ایران را به هم پیوند زد.

صورت‌بندی اجتماعی-سیاسی و ساختار نظام سیاسی حاکم در دوران سعدی با نظام‌های سیاسی معاصر ایران تفاوت دارد؛ اما برخی از عناصر فرهنگ سیاسی صاحبان قدرت در گذشته هنوز هم در رفتار نخبگان حاکم در ایران معاصر قابل مشاهده است. از این زاویه محتوای اندیشه‌های سیاسی سعدی کاربردی است. خوانش سیاسی اروپاییان در سده‌های گذشته از آثار سعدی نیز بیانگر توانمندی‌ها و تأملات فکری سعدی در مناسبات سیاسی است؛ برای نمونه گلستان سعدی به زبان لاتینی در قرن هفدهم (چاپ‌سنگی سال ۱۶۸۰م.) با عنوان «Rosarium politicum» ترجمه شده است؛ یعنی گلستان سیاسی؛ همچنین لازار کارنو،^۱ سیاستمدار و ریاضی‌دان فرانسوی و طراح نقشه‌های جنگی در جنگ‌های انقلاب فرانسه و جنگ‌های ناپلئون، به دلیل شیفتگی و علاقه زیاد به آثار سعدی، نام فرزندش را سعدی گذاشت (امیدبخش و جلالی، ۱۴۰۰، ص. ۹۴). عبدالحسین زرین کوب می‌نویسد: «سعدی در گلستان دنیا را چنان که هست تصویر می‌کند ... در بوستان و همچنین در قصاید تحقیقی و بعضی رسالات تعلیمی دنیا را بدان گونه که باید باشد، به تصویر می‌کشد» (زرین کوب، ۱۳۷۹، ص. ۱۱۶). به نظر می‌رسد سعدی با یک نگاه عینی و واقع‌گرا به تحولات سیاسی و اجتماعی دوران خود توجه دارد. می‌توان گفت استخراج حکمت عملی از مناسبات اجتماعی حاکم و رعایت اصول و آداب حکمرانی و رسیدن به وضع اجتماعی و سیاسی مطلوب در کانون اندیشه سیاسی سعدی بوده است.

1. Lazare Carnot.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که «در اندیشهٔ سیاسی سعدی، ویژگی‌های فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم و ماهیت نخبه‌گرای امر سیاسی چگونه بازتاب یافته است؟» در پاسخ به این پرسش، فرضیهٔ زیر مطرح است: از دیدگاه سعدی، فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم از منظر جهت‌گیری شناختی با ویژگی‌های منفی همچون احساس ناامنی سیاسی و از ابعاد ارزیابی و احساسی با ویژگی‌هایی همانند عقل‌گرایی، عدالت‌گرایی و اعتدال‌گرایی متبلور شده است.

۱. پیشینه پژوهش

خوشبختانه در سال‌های اخیر، سعدی‌پژوهی و توجه به آثار سعدی از جنبه‌های مختلف رشد چشمگیری یافته است. در اینجا به برخی متون موجود که مرتبط با موضوع نوشتار است، اشاره می‌شود. ظهیری‌ناو و پاک‌مهر (۱۳۸۷)، در مقاله «اندیشهٔ سیاسی و حکومتی سعدی در بوستان و گلستان»، با بررسی این دو اثر، نگاه سعدی را به حاکمیت و نسبت سیاست با اخلاق و از عدالت به عنوان محوری‌ترین اصل حکومتی از نظر سعدی اشاره دارند. ثروت (۱۳۸۸)، در مقاله «سیاست مدن از دید سعدی»، با بررسی گلستان و بوستان نتیجه می‌گیرد که سعدی در مدیریت کشور و سیاست مدن اطلاعات گسترده و جامعی دارد و همچون جامعه‌شناسی فاضل معایب کشور بی‌قاعده را می‌داند و پیامدهای حاصل از حکومت استبدادی را متوجه است. ازغندی (۱۳۹۱) در کتاب اندیشه‌های سیاسی سعدی ضمن بررسی اندیشه و آرای سیاسی سعدی معتقد است دغدغهٔ سعدی دستیابی به مدینه فاضله نیست؛ بلکه رعایت اصول و آداب ملک‌داری و ارائه راهکار برای کسب و حفظ قدرت است (طباطبایی، ۱۳۹۵). در مقاله «اندرزنامه‌نویسی» خلاف‌آمد عادت سعدی به ویژگی‌های اندرزنامه‌نویسی سعدی اشاره می‌کند و معتقد است سعدی از سیاست‌نامه‌نویسی کهن و رایج در ادب فارسی فاصله می‌گیرد و با جداکردن سیاست‌نامه‌نویسی از مبانی نظری اخلاق سنتی ایران، آن را در جاذبه میدانی قرار می‌دهد که منطق ذهنیت «فردی» بر آن فرمان می‌راند. جلالی و امیدبخش (۱۴۰۰)، در مقاله «بررسی رابطه «خدایگان و رعیت» در آرای سیاسی سعدی از منظر تاریخ‌گرایی نو»،

نسبت آثار سعدی با قدرت روزگار او را دارای دو جهت متفاوت بر اساس دو دوره (دوره اتابکان فارس و دوره چیرگی مغولان) در حیات سیاسی او می‌دانند. سعدی با نفی انگاره ظل‌اللهی، عبور از تمثیل‌های رایج شبان - گوسفند به سر - بدن و درخت - ریشه و قرائت متفاوت و گاه معکوس (در قبال خوانش رایج) از مناسبات شاه و رعیت، تفاوت دیدگاه سیاسی سعدی را درباره خوانش‌های مشهور از این رابطه در روزگار او نشان می‌دهند. محققان و اهل نظری همچون ضیاء موحد، ناصر پورپیرار، همایون کاتوزیان، منصور رستگار تا علی دشتی نوشته‌هایی درباره مقام ادبی و فرهنگی این شاعر عشق و زندگی به یادگار گذاشته‌اند (منوچهری، ۱۳۹۷: ۲۴۰) که این مجال فرصت بررسی آنها را نمی‌دهد.

به هر روی با اندکی تسامح می‌توان گفت پژوهش‌های درباره سعدی، بیشتر در مرز مشترک میان رشته‌های ادبیات، تاریخ، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی قرار دارد. هرچند موضوع اندیشه سیاسی سعدی کم و بیش مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ اما کمتر مسئله مهمی چون «فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم» و دیگر مراتب این موضوع، در کانون توجه و دقت اهل ادب و نظر قرار داشته است.

۲. چارچوب نظری و مفهومی

مجموعه عناصر و تولید مادی و تفکری یک جامعه از زبان، مذهب، آداب و رسوم، ارزش‌ها و هنجارها تا علم، هنرهای خاص همانند شعر، موسیقی، نقاشی، معماری و فناوری از اجزای تشکیل‌دهنده فرهنگ یک جامعه شمرده می‌شوند. می‌توان گفت «فرهنگ در گسترده‌ترین معنا، شیوه زندگی مردم است» (هیوود، ۱۴۰۰، ص. ۲۹۱). در هر نظام فرهنگی، زیرفرهنگ‌های مختلف قابل تجزیه و تفکیک است (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص. ۲۹۹)؛ به عبارتی دیگر در درون فضای فرهنگ عمومی جامعه، خرده‌فرهنگ‌هایی شکل می‌گیرند که در ساخت هویت جمعی و رفتار و کردار افراد نقش اساسی دارند؛ از جمله محوری‌ترین آنها «فرهنگ سیاسی» نام دارد. فرهنگ سیاسی دارای اجزای معینی است. این اجزا عبارت‌اند از: ارزش‌ها، باورها و ایستارهای اساسی افراد درباره نظام سیاسی و صاحبان قدرت.

فرهنگ سیاسی به معنای تأثیر متقابل فرهنگ و سیاست، نه تنها جدید نیست؛ بلکه از گذشته‌های دور در متون علم سیاست دیده می‌شود. در متون سیاسی یونانی‌ها و رومی‌ها، بررسی روحیات و خلیات ملت‌های مختلف در کانون فهم سیاسی بوده است. افلاطون در کتاب جمهوری خود به «تمایلات انسان‌ها» اشاره کرده است و در میان اندیشمندان مسلمان نیز توجه به فرهنگ سیاسی در آثار فارابی و نصیرالدین طوسی هم مشاهده می‌شود. فارابی در تبیین آرای اهل مدینه فاضله، فرهنگ را ترسیمات ذهنی و خیالی ملت‌ها معرفی می‌کند که در نفوس و عقول آنها منعکس است. نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری با تأثیر از فارابی، ضمن تشریح لایه‌ها و ویژگی‌های مختلف فرهنگی، جوامع سیاسی متفاوت را مبتنی بر روحیات، باورها و الگوهای رفتاری متفاوت می‌داند (آل‌غفور، ۱۳۷۵، ص. ۱۱۵). آلموند و وربا در تعریف فرهنگ سیاسی به جهت‌گیری‌ها و نگرش‌های افراد که متشکل از مجموعه‌ای از تمایلات شناختی، ارزیابی و احساسی است، اشاره دارند که درباره پدیده‌های سیاسی و فرایندهای اجتماعی ابراز می‌شود. آنها بر این باورند که فرهنگ سیاسی در سه نوع جهت‌گیری مشخص می‌شود:

۱. جهت‌گیری شناختی: ^۱ دانش افراد جامعه درباره صاحبان قدرت و عملکرد آنها.
۲. جهت‌گیری ارزیابی: ^۲ نحوه تجزیه و تحلیل افراد از مسائل سیاسی؛ برای مثال فرد درباره عدالت و جامعه مطلوب چه دیدگاهی دارد؟ آیا او ارزش‌هایش را از یک مذهب گرفته است؟
۳. جهت‌گیری احساسی: ^۳ احساسات و عواطف افراد درباره نخبگان سیاسی

(Almond&Verba, 1963, pp. 13-15).

فرهنگ سیاسی در بخش ناخودآگاه ذهن جای می‌گیرد. این بخش ناخودآگاه فرهنگ سیاسی، طی سال‌ها حتی از دوره کودکی از طریق خانواده، محیط آموزشی، فرهنگ عمومی و ماهیت نظام سیاسی به طور پیچیده‌ای و بیشتر با ابزار روانی و با نتایج

1. Cognitive orientation.

2. Evaluational orientations.

3. Affective orientation.

سیاسی به افراد منتقل می‌شود و نظام کنش و واکنش افراد را درباره پدیده‌های سیاسی شکل می‌دهد (سریع‌القلم، ۱۳۸۶، ص. ۵۱)؛ بر این مبنا در این نوشتار، فرهنگ سیاسی به عنوان بخشی از فرهنگ اجتماعی، «مجموعه‌ای از احساسات، ارزش‌ها، عواطف و اخلاقیات که شکل‌دهنده رفتار سیاسی و اجتماعی تک‌تک افراد جامعه در زندگی سیاسی است» (دلاور، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۲)، مورد نظر است.

در قالب چارچوب مفهومی بحث، تعریف مفهوم نخبگان سیاسی نیز ضروری به نظر می‌رسد. مطابق این اصطلاح که از مهم‌ترین کلیدواژگان دانش سیاسی و اجتماعی است، کسانی در اجتماع بشری، واجد بالاترین شاخصه‌های توانایی و صلاحیت و عمل‌اند. می‌دانیم که این ایده در آرا و نوشته‌های افلاطون (سده‌های پنجم و ششم قبل از میلاد)، نیکولو ماکیاوولی (سده شانزدهم میلادی) و نیچه، توماس کارلایل و گوستاو لوبون در اواخر سده نوزدهم ریشه دارد. به تحقیق می‌توان ادعا کرد که در اندیشه سیاسی اسلامی و ایرانی (باستان و دوره میانه)، رگه‌های پرننگی از نخبه‌باوری در متون فلسفه سیاسی، شریعت‌نامه‌ها و سیاست‌نامه‌ها یافت می‌شود. از حکمت خسروانی تجهیز شده به «فره-ایزدی» تا «نبی-فیلسوف» فارابی و «سلطان اهل دانش و اقتدار» خواجه نظام الملک این ایده تداوم داشته است. اما نخبه‌گرایی به عنوان یک نظریه سیاسی مدرن بیشتر با آثار پاره‌تو، موسکا و میشلز بنیان نهاده شد. اندیشمندانی همچون وبر و شومپتر نمایندگان نظریه‌های نخبه‌گرایی دمکراتیک شدند و بعدها نخبه‌گرایی مدرن به اشکال مختلف از صنفی‌گرایی تا مطالعات نخبگان و قدرت را متفکرانی همچون رابرت دال، جیووانی سارتوری، سی رایت میلز، لیندبلوم و جیمز برنهام و... مطرح کردند. پژوهشی نشان می‌دهد مهم‌ترین دلیلی که در قرن بیستم سبب تمایل متفکران به الیتسم و نخبه‌باوری شد، ترس و نگرانی ناشی از پیامدهای رادیکالیسم توده‌گرایی پس از انقلاب فرانسه و دموکراسی اکثریتی (روسویی) بوده است (قرلسفلی، ۱۴۰۱، ص. ۸۹). این عقیده که «تاریخ سیاست، تاریخ سلطه نخبگان است»، بنیان نظریه‌های نخبه‌گرایان را تشکیل می‌دهد (ایونز، ۱۳۸۳، ص. ۱۱). پیش‌ترها ماکیاوولی با توجه به تجربه زیسته‌اش گفته بود: «تاریخ سیاست، تاریخ سلطه نخبه‌ها (شیرها و روباهان) است» (آدامز و دایسن، ۱۳۹۹، ص. ۷۳).

به استناد پژوهش دیوید هلد، واژهٔ نخبه^۱ که از سدهٔ هفدهم رایج شده است و آن زمان برای توصیف کالاهایی با مرغوبیت خاص اشاره داشت، به زودی به گروه‌های اجتماعی برتر، مثل واحدهای نظامی یا اشرافیت اقتصادی و سیاسی اطلاق شد (هلد، ۱۳۸۴، ص. ۲۲۵). در بینش‌های متأخر این واژه بیشتر به افرادی با توانایی برتر اشاره دارد؛ مانند روشنفکران، مدیران صنایع، مدیران نظامی و مقامات سیاسی. به قول گی روشه، درواقع نخبگان از اعضای ممتاز جامعه هستند؛ یعنی از افرادی که بر اثر ویژگی‌های ممتاز و استعدادهای طبیعی‌شان، صاحب قدرت سیاسی و یا صاحب سرمایه اجتماعی و منزلت در جامعه گردیده‌اند (روشه، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۶). به‌طور کلی نخبه‌گرایان معتقدند جامعهٔ بشری همواره در طول تاریخ از دو بخش تشکیل شده است: یکی سرآمدان یا نخبگان حاکم که می‌تواند با عنوان‌های مختلفی همچون شاه، خلیفه، امیر، والی، اتابک و... در تاریخ آمده باشد و دومی توده‌های مردم (بشیریه، ۱۳۸۱، ص. ۷۲). موسکا^۲ در کتابش با عنوان طبقه حاکم دربارهٔ مفهوم نخبگان حاکم می‌نویسد: «در کلیهٔ جوامع، از عقب‌مانده‌ترین آنها تا پیشرفته‌ترین و قدرتمندترین جوامع، دو طبقه وجود دارد: یک طبقهٔ حاکم و یک طبقهٔ محکوم» (ازغندی، ۱۳۷۹، ص. ۲۷). پارتو^۳ از دیگر بنیان‌گذاران مکتب نخبه‌گرایی معتقد است نخبگان به دو دستهٔ نخبگان حکومتی و غیرحکومتی تقسیم می‌شوند (کوزر، ۱۳۷۷، صص. ۵۲۳-۵۲۴). نخبگان حاکم، متشکل از افرادی است که مستقیم یا غیرمستقیم در حکومت نقش عمده دارند و نخبگان غیرحاکمی که شامل دیگر نخبگان هستند. برخی مورخان جدید، ادعای مکتب نخبه‌گرایی را با چنین عبارت‌هایی تقویت کرده‌اند: «تاریخ را اقلیت بسیار معدودی درست کرده‌اند؛ درحالی‌که باقی مردم به شخم‌زدن زمین و حمل سطل‌های آب مشغول بودند» (هرای، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۴).

سعدی با موضعی نخبه‌گرایانه، کار حکمرانی را با هوشیاری و ذکاوت پیوند می‌زند: «عهدهٔ ملک‌داری کار عظیم است. بیدار و هوشیار باید بود...» (سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۸۰۵). او با

1. Elite.

2. Mosca.

3. Pareto.

وجود آنکه در بخشی از گلستان از درویشان سخن گفته است و چه بسا سلوک آنها را می‌ستاید، موضع نخبه‌گرای او در ساحت امر سیاسی سبب شده است تا با ورودشان در حوزه سیاست مخالف باشد. چه بسا آن که توانایی و شایستگی ندارد، نمی‌تواند کارکرد مثبتی در جامعه فقرزده ایفا کند. «پیداست که از معدۀ خالی چه قُوت آید، وز دستِ تهی چه مُرُوت، وز پای تشنه چه سیر آید و از دست گرسنه، چه خیر» (سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۱۴۹). سعدی با نگاه نخبه‌گرایانه تلاش دارد تا الگوهای رفتاری حاکمان عادل و خردمند را از دل تاریخ استخراج کند و در نوشته‌های خود در قالب تلویح و تمثیل و حکایات به آن اشاره دارد. در متون سعدی منظور از «واژگانی چون درویش و رعیت به اصطلاح امروزی، همان توده‌های مردمند» (ثروت، ۱۳۸۸، ص. ۸).

در این نوشتار، منظور از نخبگان حاکم افرادی هستند که با نظارت شخص حاکم در منظومه قدرت سیاسی حضور دارند و داشتن چنین قدرتی به آنان این امکان را می‌دهد که بر تحولات اجتماعی و سیاسی و زندگی کسانی که صاحب قدرت نیستند، تأثیر تعیین‌کننده‌ای داشته باشند؛ چنان که پیش‌تر گفته شد، در اندیشه سیاسی جهان اسلام و ایران (فقه، فلسفه سیاسی و سیاست‌نامه‌ها)، قدرت چندکانونی بوده است و در تمایز میان قدرت معنوی (خلیفه) و اقتدار سیاسی (سلطان/امیر و وزرا)، جایگاه نخبگان مشخص می‌شود. سلطان بنا به مشروعیت الهی (فره-ایزدی)، جدای از نظم سیاسی سیاست خود را ناظر بر اجرای عدالت تعریف می‌کند و از افراد نخبه و کاردان برای تحقق این اهداف بهره می‌برد: «زیرا پادشاه نمی‌تواند به تنهایی مملکت را اداره کند؛ پس باید وزیران و مدیرانی داشته باشد» (ماسه، ۱۳۶۹، ص. ۱۹۳). تمام ادبیات اندرزنامه‌ای و متون شریعت‌نامه‌ای با آگاهی از این امر بر مسئولیت‌پذیری نخبگان حاکم تأکید می‌کنند. در همین جا به تعجیل و در تجسّد عینی بحث نظری نخبگان، باید گفت سعدی نیز به عنوان یک متفکر و ادیب اثر خود را فرصتی برای ایضاح منطق حکمرانی در چارچوب فرصت سیاسی نخبگان مورد توجه قرار داده است. از این حیث او در جای‌جای بوستان و گلستان، مستقیم یا غیرمستقیم نخبگان را نهیب می‌دهد که چه وظایف مهمی دارند: وظیفه در برابر رعایا، وظیفه در برابر دستگاه حکومت یا قدرت، وظیفه در برابر دشمنان

ملک، و مهم‌تر از همه، وظیفه در مقابل خداوند؛ چه هم شخص حاکم و هم دیگر صاحب‌منصبان باید روزی پاسخگوی اعمال خویش باشند. اکنون به شکل مبسوط‌تری می‌توان در گفتار و نوشتار سعدی به این نگره توجه و دقت کرد.

۳. سعدی؛ همچون آموزگار قرون

حمله مغولان در سال ۶۱۶ ق. آغاز و در ۶۵۶ ق. با تصرف بیشتر قسمت‌های سرزمین ایران و با پایان‌دادن به خلافت عباسی توسط هلاکوخان به سرانجام رسید. سعدی در همین ایام و در دهه نخستین قرن هفتم در شیراز دیده به جهان گشود. وی در زمان حکومت اتابکان فارس می‌زیست. این سلسله از سال ۵۴۳ ق. تا ۶۸۵ ق. بر فارس حکومت کردند. دوران کودکی و نوجوانی سعدی در عصر اتابک، سعد بن زنگی است. این اتابک تا ۶۲۳ ق. حاکم فارس بود. سعدی در حدود ۶۲۰ ق. برای تحصیل به مدرسه نظامیه در بغداد می‌رود. مدارس نظامیه از مشرب فکری خواجه نظام الملک و فقه شافعی امام محمد غزالی تأثیر پذیرفته بودند و بنا به توضیح استاد ضیاء موحد این **فضای بکری** بر اندیشه و بیان سعدی نیز تأثیر داشت (موحد، ۱۳۹۹، ص. ۴۸-۵۰). «شخصیتش آمیزه‌ای از مدرسه، محیط، سفر و استعداد خدادادی است» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۲، ص. ۲۴). سعدی حدود ۶۵۵ ق. و در زمان حکومت اتابک، ابوبکر بن سعد بن زنگی به شیراز بازگشت. وی در حدود ۳۵ سال حکومت کرد.

در سال ۶۵۸ ق. ابوبکر بن سعد و سپس به فاصله کمی پسرش که جانشین او بود، درگذشتند. در مدت زمان پس از مرگ ابوبکر، حکمرانی فارس چندین بار دست به دست شد و در نهایت هلاکوخان در ۶۶۷ ق. امیر انکیانو را به سمت فرماندار مغول در فارس منصوب کرد. سعدی او را مردی «لایق خطاب خود دید و به بهانه مدح، سه قصیده سر تا پا اندرز که از بهترین قصیده‌های اوست، به نام او کرد» (موحد، ۱۳۹۹، ص. ۶۳). در نهایت سعدی در ۶۹۱ ق. درگذشت. بی‌ثباتی سیاسی در حکمرانی، چیرگی مغولان و جابجایی پیوسته حاکمان پس از ابوبکر در قصیده سعدی، چنین انعکاس یافته است:

«پس بگردید و بگردد روزگار دل به دنیا در نیندد هوشیار»

(سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۶۶۷)

هر متنی محصول زمانه خود است. کوئنتین اسکینر^۱ که متون را در پیوند با زمانه قابل فهم می‌داند، در جایی درباره لویاتان هابز این عبارت فیلسوف شهیر سده هفدهم را یادآوری می‌کند که کتاب او نماینده تلاطم‌های بزرگ ناشی از «آشفته‌گی‌ها و بحران‌های عصر» او بوده است (اسکینر، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۷). هر متفکر و اندیشمندی از شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دوران خود تأثیر می‌پذیرد. می‌توان گفت حمله مغول به ایران مهم‌ترین واقعه قرن هفتم هجری است. در پیامد این ایلغار تاتار همین بس که جوینی غارتگری ایشان را در یک جمله خلاصه کرده است که «هر کجا صد هزار خلق بود، بی‌مبالغت صد کس نماند» (جوینی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷). ناگفته پیداست که این رخداد ویرانگر بر جهت‌گیری شناختی، احساسی و ارزشی اهل فکر و ادبی همچون سعدی تأثیر گذاشته است. به نظر می‌رسد سعدی متأثر از واقعیت اجتماعی و سیاسی زمانه خود تلاش دارد تا سیاست‌ورزی نخبگان حاکم را در منظومه فرهنگ سیاسی عقلانیت و عدالت و میانه‌روی تعریف کند. حفظ حکومت، انسجام و تعادل اجتماعی پایه‌های محکمی در اندیشه سیاسی سعدی دارد.

۴. سعدی و فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم

فرهنگ سیاسی در حیطه ذهن جای دارد و افراد با فرهنگ سیاسی خود به جهان سیاست می‌نگرند و جهت می‌گیرند. آثار سعدی نیز جهت‌گیری شناختی، ارزشی و احساسی او را نشان می‌دهد. در ذهن و اندیشه سعدی، فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم گاهی شکل و شمایل هنجاری به خود می‌گیرد. چه‌بسا گاهی این ویژگی‌ها به شکل عینی در رفتار سیاسی صاحبان قدرت زمانه او قابل لمس بوده باشد. چه‌بسا برخی ویژگی‌ها در یک مقطع کوتاه در فرهنگ سیاسی حاکمان وجود داشته و سپس با جابجایی صاحبان قدرت، تضعیف شده یا از بین رفته باشد. کم‌رنگ شدن یا نبود برخی ویژگی‌ها همانند

1. Quentin Skinner.

اعتدال و عدالت گرایی در فرهنگ سیاسی صاحبان قدرت سبب می شود تا سعدی آرزوی رعایت این رفتارها را از سوی نخبگان حاکم در فرهنگ و رفتار سیاسی داشته باشد؛ چون در باور و ایستار سعدی این فرهنگ سیاسی وجود دارد. به نظر می رسد در ذهن و اندیشه سیاسی سعدی، چهار ویژگی به شکل عینی یا هنجاری در فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم، برجستگی خاصی می یابد.

۴-۱. احساس ناامنی سیاسی

از زاویه نظریه فرهنگ سیاسی، جهت گیری شناختی میزان دانش افراد را درباره صاحبان قدرت و عملکرد آنها نشان می دهد. از این دیدگاه به نظر می رسد سعدی با درک عینی ویژگی احساس ناامنی سیاسی در فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم آن را پررنگ تر نشان می دهد. احساس ناامنی سیاسی یکی از ویژگی های عمده فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم در ایران بوده است. «احساس عدم امنیت به شرايطی گفته می شوند که فرد نسبت به آینده خویش چشم انداز روشن و مشخصی ندارد و هر لحظه ممکن است مسائلی رخ دهد که همه چیز را از دست بدهد» (ازغندی و دلاور، ۱۳۸۹، ص. ۵۸). سعدی می نویسد:

«به دریا در منافع بی شمارست و گر خواهی سلامت برکنارست»
... عمل پادشاهان چون سفر دریاست. خطرناک و سودمند. یا گنج برگیری یا در طلسم بمیری» (سعدی، ۱۴۰۲، صص. ۴۵-۴۶).

احساس ناامنی سیاسی و ترس در همان باب اول گلستان که «در سیرت پادشاهان» نام دارد، خود را نشان می دهد. سعدی در حکایت اول می نویسد: «پادشاهی را شنیدم به کشتن اسیری اشارت کرد» (سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۳۱). پادشاه و اشاره او به کشتن اسیر نشان می دهد «انگار سعدی هاله ای شوم و خطرناک گرد واژه «پادشاه» می آفریند. طنین خوف انگیز عبارت اول را در بیش و کم تمامی ۴۱ حکایت باب اول می توان شنید» (میلانی، ۱۳۸۷، ص. ۸۹). پادشاه از قدرت مطلق برخوردار است. او هر لحظه می تواند جان یک فرد از وزیر تا درویشی را بگیرد یا با خنده یا لبخند حاکم، فردی از مرگ نجات

یابد. سعدی در حکایت‌های مختلف این وابستگی سیاست به تلّون مزاج و سلیقه شخص حاکم را تکرار می‌کند. «حکما گفته‌اند از تلّون طبع پادشاهان بر حذر باید بودن که وقتی به سلامی برنجدند و دیگر وقت به دشنامی خلعت دهند» (سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۴۳).

اندیشه سیاسی سعدی، اغلب در قالب «تلویح و تمثیل» (میلانی، ۱۳۸۷، ص. ۹۵) بیان شده است. سعدی احساس ناامنی در روابط بین نخبگان حاکم را با بیان حکایتی از هرمز ساسانی نشان می‌دهد که از او درباره علّت زندانی کردن وزیران پدر پرسیده شد. هرمز جواب داد: «خطایی معلوم نکردم؛ ولیکن دیدم که مهابت من در دل ایشان بی‌کران است و بر عهد من اعتماد کلی ندارند. ترسیدم از بیم گزند خویش آهنگِ هلاک من کنند» (سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۳۹). شاید بتوان در میان عوامل متعدد تأثیرگذار بر ناامنی سیاسی نخبگان حاکم، نقش ساخت سیاسی را پررنگ‌تر دانست. سعدی در حکایت زیر پیامدهای حاصل از حکومتی استبدادی و احساس ناامنی و ترس نخبگان را به‌خوبی نشان می‌دهد و می‌گوید وزیران انوشیروان درباره مسائل مملکت هم‌فکری کردند و هر یک نظری دادند. پادشاه نیز نظری داد. بزرجمهر یا بزرگمهر به عنوان رئیس‌الوزرا نظر پادشاه را تأیید کرد. پس از جلسه وزرا از بزرجمهر پرسیدند نظر پادشاه بر نظر ما چه مزیتی داشت که نظر شاه را ترجیح دادی. بزرجمهر گفت: «به موجب آنکه انجام کارها معلوم نیست و رأی همگان در مشیّت است که صواب آید یا خطا؛ پس موافقت رأی ملک اولی‌ترست تا اگر خلاف صواب آید، به علت متابعت از معاتبت ایمن باشم.

«خلاف رأی سلطان رأی جستن به خون خویش باشد دست شستن

اگر خود روز را گوید شبست این بیايد گفتن آنک ماه و پروین»

(سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۵۷)

بین ساخت قدرت و فرهنگ سیاسی رابطه وجود دارد. ساختار سیاسی استبدادی، فرهنگ آمریت-تابعیت، ترس، بدبینی، بی‌اعتمادی، فساد و احساس عدم امنیت سیاسی را گسترش می‌دهد. در این فضا، فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم بیشتر به سمت چاکرمنشی و فرصت‌طلبی سوق پیدا می‌کند و افراد در منظومه سیاست تنها به دنبال رضایت حاکم برای کسب منافع سیاسی و اقتصادی خود هستند. در ساختار استبدادی،

هم خود شخص حاکم و هم اطرافیان حاکم به دلیل اضطراب ناشی از نبود عدالت سیاسی احساس ناامنی سیاسی دارند. در چنین شرایطی با گسترش فرهنگ تبعیت، در یک ساختار سلسله‌مراتبی، افکار و تمایلات مقام بالادست و در نهایت حاکم مورد توجه قرار می‌گیرد و «فرد می‌کوشد تا به هر نحوی که شده رضایت حاکم را به دست آورد و به حریم او نزدیک شود و از این‌رو فضای فرصت‌طلبی و چاپلوسی» (بشیری، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۸)، بدبینی، بی‌اعتمادی، حسادت، ترس در فرهنگ نخبگان حاکم و مردم گسترش می‌یابد. ماروین زونیس^۱ احساس ناامنی سیاسی را یکی از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم در دوره پهلوی دوم قلمداد می‌کند (زونیس، ۱۳۸۷، ص. ۳۹۸). به نظر می‌رسد این ویژگی در فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم از دوره سعدی تا تاریخ معاصر ایران ادامه یافته است.

۲-۴. عقل‌گرایی

سعدی به مبانی و اصول عقلانی در اندیشه و گفتار و رفتار باور دارد. دیدگاه او در رسائل نثر به‌ویژه در نصیحت الملوک و باب اول بوستان و باب اول گلستان با نگاه واقع‌بینانه به استفاده از عقل و تدبیر از سوی صاحبان قدرت در حکمرانی اشاره دارد. از نظر سعدی نخبگان سیاسی حاکم باید معیشت مردم را بر اساس عقل متعارف انسانی تمشیت کنند؛ زیرا مملکت تنها به دلایل مادی ویران می‌شود (احمدوند و شجاعی، ۱۴۰۱، ص. ۱۴۹۵). بی‌دلیل نیست که او از نخبگان می‌خواهد آسایش مردمان را بر آسایش خویش مقدم قرار دهند:

نیاساید اندر دیار تو کس چو آسایش خویش جویی و بس
نیاید به نزدیک دانا پسند شبان خفته و گرگ در گوسفند

حاکم یا یک صاحب‌منصب پیش از قرار گرفتن در سمت سیاسی، باید به لحاظ عقلانیت و تدبیر و خردورزی به بلوغ رسیده باشد؛ در غیر این صورت سیاستمداران

1. Marvin zonis.

غیرعقلانی به دلیل رنج و خسارتی که بر مردم وارد می‌کنند، انگار با خدا به جنگ برخاسته‌اند؛ به همین دلیل توصیه سعدی به نخبگان حاکم این است که لزوم حضورشان را برای رعیت گوشزد کنند و اینکه آنان سرمشق و سرلوحه جامعه باشند:

خداوند کشور خطا می‌کند شب و روز ضایع به خمر و خمار
جهان‌بانی و تخت کیخسروی مقامی بزرگ است کوچک مدار
که گر پای طفلی برآید به سنگ خدای از تو پرسد به روز شمار

(منوچهری، ۱۳۹۷، ص. ۲۷۳).

او در جای دیگری می‌نویسد:

«تمیز باید و تدبیر و عقل و آنگه ملک

که ملک و دولت نادان سلاح جنگ خداست»

(سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۱۶۶).

«آن را که عقل و همت و تدبیر و رای نیست

خوش گفت پرده‌دار که کس در سرای نیست»

(سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۱۵۱).

سعدی در حوزه سیاست به صاحبان قدرت گوشزد می‌کند تا برای حفظ قدرت و رفاه مردم به برخی مسائل مهم توجه کنند. از آن رو که خدمت به خلق برتر از عبادت است:

«طریقت بجز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلق نیست» پادشاه افرادی را به کار بگیرد که «عادل، خوب‌روی، پاکدامن، بزرگ‌زاده، نیکنام، نیک‌سرانجام، جهان‌دیده، کارآزموده، تا هرچه ازو در وجود آید، پسندیده کند» (سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۸۰۵)؛ «آثار خیر پادشاهان قدیم را محو نگردانند...» (سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۸۰۵)؛ «عمارت مسجد و خانقاه و جسر و آب انبار و چاه‌ها بر سر راه، از مهمات امور مملکت داند... حکما گفتند مزید ملک و دوام دولت، در رعایت بیچارگان و اعلانت افتادگان است» (سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۸۰۴)؛ «تفویض کارهای بزرگ به مردم ناآزموده نکند که پشیمانی آرد... هرچه در مصالح مملکت در خاطرش آید، به عمل درنیاورد. نخست اندیشه کند، پس

مشورت، پس چون غالب ظنش صواب نماید، ابتدا کند به نام خدای و توکل بر وی» (سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۸۰۶).

به نظر می‌رسد سعدی فرهنگ سیاسی و سیاست‌ورزی خاندان سعد، یعنی ابوبکر و پدرش را در حفظ ثبات سیاسی سرزمین پارس و رفاه و امنیت مردم عقلانی و خردمندانه می‌داند. سعدی سیاست عملگرایانه خاندان سعد را که با پرداخت خراج مانع از حمله مغولان به شیراز شدند، با کلمات و اشعاری توصیف می‌کند که بار معنایی و ارزشی مثبت دارد. حتی تخلص «سعدی» را هم از نام سعد گرفته است (سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۸۶۳).

شاید بتوان گفت تا حدود زیادی به شکل عینی میان فرهنگ سیاسی نخبگان حاکمی همچون سعد و ابوبکر در ابعاد شناختی و ارزشی و احساسی با فرهنگ سیاسی مطلوب و آرمانی سعدی تطابق وجود داشت. او آنها را از بهترین حاکمان تاریخ فارس از نظر ایجاد «امنیت» و «رفاه» می‌دانست. سعدی معتقد بود سعد و پسرش ابوبکر با تدبیر و خردمندی، فارس را از نفوذ و سیطره نظامی خوارزمشاهیان و مغولان حفظ کردند. تحلیل محتوای کلمات در نوشته‌های سعدی گرایش احساسی مثبت او به خاندان سعد را به تصویر می‌کشد. افزون بر این تقدیم کتاب بوستان به ابوبکر و گلستان به پسرش سعد، از منظر نظریه فرهنگ سیاسی، جهت‌گیری احساسی و عواطف مثبت سعدی را به خاندان سعد به عنوان نخبگان حاکم وقت نشان می‌دهد.

در ابعاد فرهنگ سیاسی در جهت‌گیری ارزیابی، مقوله «ارزش»^۱ در ذهن و تمایلات فرد برجسته می‌شود (Almond & Verba, 1963, pp. 15). «با ایمانی که سعدی به شریعت اسلامی دارد» (دشتی، ۱۳۵۶، ص. ۳۱۹). به نظر می‌رسد وزن ارزش‌های ناشی از شریعت در ذهن سعدی پررنگ است. او معتقد است حاکم با پیروی از شرع در مسیر عقلانیت قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر از منظر جهت‌گیری احساسی، از میان شمار شاهانی که فرهنگ سیاسی آنها در حکمرانی اهمیت دارد و به تعبیر جامعه‌شناسان به عنوان «گروه

1. Value.

مرجع» برای سعدی مطرح است، نقش انوشیروان به عنوان پادشاه عادل پررنگ است. به‌ظاهر سعدی عقل‌گرایی و عدالت‌گرایی را از ویژگی‌های لازم و هنجاری فرهنگ سیاسی حکمرانان قلمداد می‌کند؛ حتی اگر حاکمان وقت این ویژگی را در آن مقطع تاریخی به شکل عینی نداشته باشند.

۳-۴. داد و دهش

همواره در طول تاریخ، عدل و داد به صورت یک ارزش و خواسته تاریخی در نظریه‌های اجتماعی ایرانیان مطرح بوده است. همین نگرش ارزشی از منظر نظریه فرهنگ سیاسی، عدالت‌گرایی را در پیوند با جهت‌گیری ارزیابی قرار می‌دهد. موضع‌گیری سعدی در تعریف و مفهوم عدالت هم متأثر از اندیشه سیاسی ایران باستان و هم «برگرفته از اندیشه سیاسی اسلامی اوست» (اخوان کازمی، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۹).

از آنجاکه در این مقال بوستان و گلستان سعدی در اندیشه ایران‌شهری و قانون عقل جهاننداری ایرانی به نگارش درآمده است و در این سنت، عدالت قرار گرفتن هر چیزی در جای نکوی خویش است، شخص حاکم و تمام نخبگان در قدرت، حافظ و مجری داد‌گری‌اند؛ زیرا در نگاه تیزبین سعدی «ملوک از بهر پاس رعیت‌اند، نه رعیت از بهر طاعت ملوک»؛ به همین دلیل در آغاز کتاب مستطاب گلستان، رونق و آبادانی شیراز و امنیت مردمان آن سرزمین را وجود پادشاه عدالی همچون ابوبکر بن سعد زنگی می‌داند و در وصف این وضعیت می‌نویسد: «ایزدتعالی خطه پاک شیراز را به هیبت حاکمان عادل و همت عالمان عامل، تا زمان قیامت در امان و سلامت نگه دارد» (منوچهری، ۱۳۹۷، ص. ۲۷۷).

شاید بتوان گفت سنت‌های فکری همچون اندرزنامه نویسی، نظریه خلافت اهل سنت، نظریه امامت شیعی، تصوف، سنت ثبت وقایع یا تاریخ‌نگاری از منابع مهم تأثیرگذار بر اندیشه سعدی بوده و در همه این سنت‌های فکری، عدالت مورد توجه بوده است. در فرهنگ سیاسی سعدی یک هاله ارزشی مثبت به شاه آرمانی که در اندیشه ایرانی وجود مستمر داشته قرار دارد و او احساس می‌کرد در آن مقطع تاریخی، آن

ارزش جایگاه والای خود را از دست داده بود. باور به عدالت گرایی نخبگان حاکم در فرهنگ سیاسی سعدی ریشه عمیق دارد که در نوشته‌های او انعکاس یافته است. او با بیان این مفهوم تلاش دارد هم پاسدار اندیشه و هویت ایرانی باشد و هم با اندرز به پادشاه و تشویق به گسترش عدالت به تعادل جامعه و مردم کمک کند (خورشیدی و حقیقت، ۱۳۹۷، ص. ۴۵-۶۶).

سعدی عدالت گرایی را مترادف با ظلم ستیزی و رفتار مبتنی بر عدل و انصاف نخبگان حاکم با مردم جامعه می‌داند. نام گذاری باب اول بوستان به «در عدل و تدبیر و رای» نشانه اهمیت بالای عدالت در اندیشه سیاسی سعدی است.

«به نوبت اند ملوک اندرین سپنج سرای

کنون که نوبت توست ای ملک به عدل گرای»

(سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۶۸۷)

اصول سیاسی موجود در گلستان و بوستان را می‌توان در دو گروه از فضیلت‌های اخلاقی و حکومتی خلاصه کرد که صاحبان قدرت در امور جامعه باید از آنها برخوردار باشند. او عمده‌ترین فضایل حکومتی را بر مبنای اصل عدل و عدالت بنیان می‌نهد (ظهیری‌ناو و پاک‌مهر، ۱۳۸۷، ص. ۱۱۱). سعدی در مکتوبات خود به آثار مثبت عدالت گرایی و پیامد منفی ظلم صاحبان قدرت در جامعه اشاره دارد. «پادشاهی که عدل نکند و نیک‌نامی توقع دارد، بدان مانند که جو همی کارد و او مید گندم دارد» (سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۸۱۳).

«پادشاهی که طرح ظلم افکند پای دیوار ملک خویش بکند»

(سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۳۷).

«یدِ ظلم جایی که گردد دراز نبینی لب مردم از خنده باز»

(سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۲۰۷).

از منظر نظریه فرهنگ سیاسی، جهت‌گیری احساسی سعدی گاهی از نخبگان سیاسی حاکم وقت فراتر می‌رود. ذهن او با گردش در دل تاریخ به دنبال یک الگوی عدالت‌محور برای نخبگان سیاسی حاکم زمانه خود است. انگار او می‌خواهد تصویر

یک فرهنگ سیاسی مطلوب را در حکمرانی برای نخبگان حاکم ترسیم کند. چه بسا بتوان گفت در جهت‌گیری احساسی او، گذشته تاریخی با وقایع زمانه او ترکیب می‌شود. سعدی دلبستگی و علاقه خود را به شاهان پیش از اسلام، شاهنامه فردوسی و شخصیت‌های اساطیری شاهنامه همچون فریدون و انوشیروان را در همان باب اول گلستان به تصویر می‌کشد که رفتار آنها در عدالت و انصاف به مثابه الگو و نمونه در فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم است (میلانی، ۱۳۸۷، صص. ۹۱-۹۲). سعدی از انوشیروان عادل می‌گوید که به شکار رفته بود و در شکارگاه صیدی کباب کردند، اما نمک نداشتند. غلامی را برای تهیه نمک به روستا فرستادند. انوشیروان به غلام دستور داد که در قبال نمک باید پولش را پرداخت کند «تا رسمی نشود و ده خراب نگردد». اطرافیان دلیل اصرار او را پرسیدند، انوشیروان گفت: «بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است. هر کی آمد بر او مزیدی کرده تا بدین غایت رسیده».

اگر ز باغ رعیت، ملک خورد سیبی برآورند غلامان او درخت از بیخ
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد زنند لشکریانش هزار مرغ به سیخ

(سعدی، ۱۴۰۲، صص. ۴۹-۵۰).

اندیشه سعدی در حکایت انوشیروان و دویت بالا را می‌توان از منظر جامعه‌شناسی سیاسی این گونه تفسیر کرد که نخبگان سیاسی حاکم نفوذ خود را از طریق نوعی الگوسازی در رفتار افراد جامعه اعمال می‌کنند و یا به اصطلاح جامعه‌شناسان، «هنجارفرستی» می‌کنند. این بدین معناست که فرهنگ و رفتار آنها مورد تقلید دیگر افراد و گروه‌ها در جامعه قرار می‌گیرد؛ از این رو دیگران سعی می‌کنند رفتار خود را با آنها هماهنگ کنند. اگر شخص حاکم و در پی او، نخبگان سیاسی دچار فساد و سوءاستفاده از قدرت شوند، در امتداد آن این فساد تمام اقشار و طبقات مختلف جامعه را در بر می‌گیرد.

سعدی در تداوم فرهنگ سیاست‌نامه‌نویسی، رعایت عدالت در حکمرانی را در کانون توجه قرار می‌دهد. با نكوهش بی‌عدالتی، صاحبان قدرت را به عدل و انصاف تشویق می‌کند و به تعبیر علی دشتی «قوت و تأثیر تدبیر و داد را از قوت شمشیر بیشتر

می‌داند» (دشتی، ۱۳۵۶، ص. ۳۱۹).

«دو خصلت‌اند نگهبان ملک و یاور دین به گوش جان تو پندارم این دو به تیغ و طعنه گرفتند جنگجویان ملک تو بر و بحر گرفتی به عدل و همت و رای» (سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۶۸۸)

«مسئله عدالت از مهم‌ترین مسائل اجتماعی است و مورد ابتلای مردم. حاکمان مستبد و لجام‌گسیخته، از هیچ جور و اجحاف فروگذار نمی‌کردند مخصوصاً در زمان سعدی که بحبوحه استیلای مغولان است» (دشتی، ۱۳۵۶، صص. ۲۸۳-۲۸۴). به نظر می‌رسد از منظر جهت‌گیری شناختی سعدی به وضع بی‌عدالتی در رفتار سیاسی صاحبان قدرت در جامعه نیک آگاه است.

۴-۴. اعتدال‌گرایی

در بحث اعتدال‌گرایی در اندیشه سعدی، جهت‌گیری شناختی (آگاهی به وضع جامعه)، جهت‌گیری ارزیابی (تحلیل سیاسی مبتنی بر حفظ تعادل با تکیه بر ارزش‌ها) و جهت‌گیری احساسی (احساسات به حاکمان و نقش مردم در منظومه سیاست) رنگ و بوی کارکرد گرایانه دارد. حفظ حکومت، انسجام اجتماعی، تعادل و ثبات جامعه را با میانه‌روی پیوند می‌زند.

شخصیت معتدل سعدی سبب می‌شود تا همیشه قلم او بر خط اعتدال باشد. در مکتوبات خود بین دو طبقه جامعه، یعنی فرادستان و فرودستان بر مصالحه و رعایت حقوق هر دو گروه تأکید دارد (حق‌جو، ۱۳۸۱، ص ۱۱۳)؛ برای مثال:

«مهتری در قبول فرمان است ترک فرمان دلیل حرمان است
هر که سیمای راستان دارد سر خدمت بر آستان دارد»

(سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۵۳).

سعدی در اثر منتسب به وی، یعنی نصیحت‌الملوک نیز به رفتار سیاسی اعتدالی در فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم اشاره دارد. سیاست کارآمد بر حفظ و تعادل نظام سیاسی، امنیت رعیت و منافع ملی تأکید می‌کند. نخبگان حاکم با رفتار اعتدالی در

استفاده از دو ابزار تشویق و تنبیه، هنر حکمرانی و سیاست‌ورزی را در حفظ تعادل نشان می‌دهند: «خشم بیش از حد گرفتن، وحشت آورد. لطف بی‌وقت، هیبت ببرد. نه چندان درشتی کن که از تو سیر گردند و نه چندان نرمی که بر تو دلیر شوند».

درشتی و نرمی به هم در بهست	چو فاصد که جراح و مرهم نهست
درشتی نگیرد خردمند پیش	نه سستی که ناقص کند قدر خویش
نه مر خویشتن را فزونی نهد	نه یکباره تن در مذلت دهد

(سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۱۵۹).

باور به اعتدال در فرهنگ سیاسی سعدی ریشه عمیق دارد؛ از همین رو رفتار سیاسی نخبگان حاکم را با واژه‌هایی همچون «بازی و ظرافت» پیوند می‌زند و در نهایت انتظار کاهش دشمنی و افزایش محبت دوستان دارد: «خشم و صلابت پادشاهان به کارست، نه چندان که از خوی بدش نفرت گیرند. بازی و ظرافت روا باشد، نه چندان که به خفت عقلت منسوب کنند... زهد و عبادت شایسته است، نه چندان که زندگانی بر خود و دیگران تلخ کند. عیش و طرب ناگزیر است، نه چندان که وظایف طاعت و مصالح رعیت در آن مستغرق شود... با دوست و دشمن طریق احسان پیش گیر که دوستان را مهر و محبت بیفزاید و دشمنان را کین و عداوت کم شود» (سعدی، ۱۴۰۲، صص. ۸۰۵-۸۰۷).

سعدی در باب اول گلستان می‌گوید فردی به یکی از پسران هارون الرشید، دشنام مادر داد. پسر خشمگین پیش پدر آمد و به او اطلاع داد که فلانی به من فحش مادر داده است. هارون از اطرافیان خود پرسید: جزای چنین فردی چه باشد؟ برخی اشاره به کشتن و بعضی به بریدن زبان و افرادی هم اشاره به تبعید داشتند؛ اما «هارون گفت: ای پسر! کرم آن است که عفو کنی و گر نتوانی تو نیزش دشنام مادر ده، نه چندان که انتقام از حد درگذرد، آن‌گاه ظلم از طرف ما باشد و دعوی از قبل خصم.

بلی مرد آن کس است از روی تحقیق که چون خشم آیدش باطل نگوید»

(سعدی، ۱۴۰۲، صص. ۵۸-۵۹).

«اگر جاده‌ای بایدت مستقیم	ره پارسایان امیدست و بیم
طبیعت شود مرد را بخردی	به امید نیکئی و بیم بدی

گر این هر دو در پادشه یافتی در اقلیم و ملکش بنه یافتی»

(سعدی، ۱۴۰۲، ص. ۱۹۴).

اگر بخواهیم به اعتدال گرایی از منظر نظریه تصمیم گیری در علم سیاست نگاه کنیم، باید بگوییم تصمیم گیری به معنای گزینش میان چند امکان است و در هر تصمیم گیری یک فرد تصمیم گیرنده وجود دارد که تصمیم گیری او متأثر از عوامل مختلف از جمله شخصیت فرد تصمیم گیرنده است که در تصمیم گیری سیاسی او تأثیر دارد (بشیره، ۱۳۸۴، ص. ۶۷). وجود فرهنگ سیاسی اعتدال گرا در رفتار نخبگان حاکم کمک می کند تا نخبگان سیاسی به دور از افراط و تفریط و به صورت عقلانی به سنجش پیامدهای تصمیم خود بر کشور پردازند. اگر امروز هم بر بلندای سگوی بلند تاریخ بایستیم و با یک چشم انداز کلی به تاریخ معاصر ایران نگاه کنیم، آثار روحیه افراطی و عدم اعتدال در فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم را می توان مشاهده کرد. می توان گفت فرهنگ ایرانی هنوز هم کم و بیش به دور از اعتدال گرایی، «تقریباً در کلیه وجوه خود تسلیم افراط است» (فولر، ۱۳۸۷، ص. ۱۵). سعدی میانه روی را شرط عقل و ملاک تدبیر در امور معیشتی و زندگی اجتماعی و سیاسی قلمداد می کند.

از زاویه نظریه فرهنگ سیاسی شاید بتوان گفت جهت گیری شناختی، ارزیابی و احساسی سعدی پس از استیلای حاکمان مغول، او را بیش از همه به سمت تأکید بر میانه روی در فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی حاکم سوق می دهد. در نگرش، ایستار، ارزش و احساس سعدی، اعتدال گرایی یک مفهوم مهم و اساسی در حکمرانی است؛ همانند عقل گرایی و عدالت گرایی. به نظر می رسد فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم از منظر سعدی بر واقعیت جامعه زمان او ساخته شده و هدفش اصلاح رفتار سیاسی صاحبان قدرت در جهت رسیدن به وضعیت سیاسی و اجتماعی مطلوب بوده است.

نتیجه گیری

در این مقاله تلاش شد با استفاده از امکانات مفهومی نظریه فرهنگ سیاسی (جهت‌گیری شناختی، ارزشی، احساسی) که در جامعه‌شناسی کارکردگرایانه ریشه دارد، بر آثار سعدی متمرکز شویم. هدف ما فهم ویژگی‌های فرهنگ سیاسی صاحبان قدرت از دیدگاه سعدی، با بررسی آثار او بوده است. در برخی از مقاطع تاریخی، فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم، مطلوب سعدی است و در برخی از مواقع با شرایط مطلوب فاصله دارد. سعدی در نوشته‌هایش با اشاره‌های مختلف در قالب تلویح و تمثیل به فرهنگ سیاسی مناسب در میان نخبگان حاکم از جمله عقلانیت، عدالت‌گرایی و اعتدال، در پی رسیدن به وضع اجتماعی و سیاسی مطلوب در جامعه است. درواقع بسیاری از متفکران قدیم ایرانی به دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوران، اندیشه سیاسی خود را در قالب ادبی، بیان و پنهان ساختند. درواقع تداوم اندیشه سیاسی ایران‌شهری و پایداری فرهنگ ما ایرانیان در همین قالب صورت گرفت.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چهار ویژگی در فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم در متون سعدی به صورت عینی یا آرمانی، برجستگی بیشتری دارد: ۱. احساس ناامنی سیاسی؛ ۲. عقل‌گرایی؛ ۳. عدالت‌گرایی؛ ۴. اعتدال‌گرایی یا میانه‌روی. برخی از این ویژگی‌های منفی، همانند احساس ناامنی سیاسی هنوز هم در فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم در تاریخ معاصر ایران دیده می‌شود. در بررسی آثار برجای مانده از متفکرانی همچون سعدی، نباید اندیشه آنها را تنها به حوزه شعر و تاریخ ادبیات محدود کنیم. در چشم‌اندازی فراخ‌تر با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه آنها، باید به این نکته کانونی توجه کنیم که زبان و ادب فارسی مجرای برای بیان اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی این متفکران بوده است. بخش بزرگی از صورت اندیشه سیاسی ایرانیان در همین قالب بیان شده است. سعدی از جمله نخبگان فکری است که افزون بر هنر شاعری و حفظ و اشاعه زبان فارسی، در باب مناسبات سیاسی نیز اندیشیده و توانمندی فراهنی خود را در پند و اندرز سیاسی جهت تأثیرگذاری بر رفتار حکمرانان سیاسی در جهت مصالح ملک و ملت نشان داده است. با بررسی آثار سعدی شاید از منظر نظریه‌های

جدید جامعه‌شناسی بتوان گفت او کارکردگرا و محافظه‌کار بوده است؛ اما یک دیدگاه انتقادی در درون متون او پنهان است. آثار سعدی نشان می‌دهد که او اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی قابل تأملی درباره شیوه عملی حکومت‌ها و رفتارشناسی صاحبان قدرت و فرهنگ سیاسی آنها در صورت‌بندی اجتماعی - سیاسی تاریخ ایران ارائه داده است.

فهرست منابع

- آدامز، ی.؛ دایسن، ر. (۱۳۹۹). پنجاه متفکر بزرگ سیاسی. پ. ایزدی (مترجم). تهران: ثالث.
- ابراهیمی دینانی، غ.ح. (۱۳۹۲). حکمت نظری و حکمت عملی در آثار سعدی. سعدی‌شناسی، شماره ۱۶، صص. ۲۴ - ۳۲.
- احمدوند، ش.؛ شجاعی، س.م.س. (۱۴۰۱). حکمرانی و مشروعیت اطاعت در گلستان سعدی. ماهنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره ۴، صص. ۱۴۸۶ - ۱۴۹۹.
- اخوان کاظمی، ب. (۱۳۸۳). پیوند ادب و سیاست: عدالت و قیام در اندیشه سیاسی سعدی. اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۰۳-۲۰۴، صص. ۱۲۸-۱۳۳.
- ازغندی، ع.ر. (۱۳۷۹). ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب. (چاپ دوم). تهران: قومس.
- ازغندی، ع.ر. (۱۳۹۱). اندیشه‌های سیاسی سعدی. تهران: نشر قومس.
- ازغندی، ع.ر.؛ دلاور، ا. (۱۳۸۹). نقش فرهنگ سیاسی نخبگان حاکم در سقوط محمدرضا شاه (بررسی موردی نخست‌وزیر هویدا از بهمن ۱۳۴۳ تا مرداد ۱۳۵۶). رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۳، صص. ۵۱-۷۵.
- اسکینر، ک. (۱۳۹۳). بینش‌های علم سیاست. ف. مجیدی (مترجم). تهران: فرهنگ جاوید.
- امیدبخش، ع.ر.؛ جلالی، م.ا. (۱۴۰۰). بررسی رابطه خدایگان و رعیت در آرای سیاسی سعدی از منظر تاریخ‌گرایی نو. ادب پارسی، ۱۲(۲)، صص. ۹۳ - ۱۲۴.
- ایونز، م. (۱۳۸۳). نخبه‌گرایی. م. شهابی (مترجم). فرهنگ اندیشه، سال سوم، شماره دهم. صص. ۱۱-۳۳.
- آل‌غفور، س.م.ت. (۱۳۷۵). نقش فرهنگ در ساختار ایران معاصر. نقدونظر، ۲(۳-۴)، صص. ۱۱۲-۱۳۷.
- بشیریه، ح. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی سیاسی (نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی). تهران: نشر نی.

بشیریه، ح. (۱۳۸۴). آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی. تهران: نگاه معاصر.

بشیریه، ح. (۱۳۸۷). موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: گام نو.

ثروت، م. (۱۳۸۸). سیاست مدن از دید سعدی. تاریخ ادبیات، ۳(۶۰)، صص. ۵-۱۹.

جوینی، ع. (۱۳۸۷). تاریخ جهانگشای جوینی. م. قزوینی (مصحح). تهران: هرمس.

حق جو، س. (۱۳۸۱). حکمت سیاسی سعدی (اخلاقی واسطه میان فرادست و فرودست و ادبیت آن). پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، ۲(۶-۷)، صص. ۹۷-۱۱۷.

خورشیدی، م.؛ حقیقت، س. ص. (۱۳۹۷). سعدی و سنت‌های فکری سازنده عرف سیاسی. پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲۱، صص. ۳۷-۷۲.

دشتی، ع. (۱۳۵۶). قلمرو سعدی. (چاپ پنجم). تهران: امیرکبیر.

دلاور، ا. (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی نخبگان در دوره پهلوی دوم. گفتگو، شماره ۵۲، صص. ۱۴۰-۱۱۱.

رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۸). آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی. تهران: شرکت سهامی انتشار.

روشه، گ. (۱۳۸۳). تغییرات اجتماعی. م. وثوقی (مترجم). (چاپ پانزدهم). تهران: نشر نی.

زرین کوب، ع. (۱۳۷۹). حدیث خوش سعدی: درباره زندگی و اندیشه سعدی. تهران: انتشارات سخن.

زونیس، م. (۱۳۸۷). روان‌شناسی نخبگان سیاسی ایران. پ. صالحی، س. امین‌زاده و ز. لبادی (مترجم). تهران: چاپخش.

سریع‌القلم، م. (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

سعدی، م. (۱۴۰۲). کلیات سعدی. بر اساس تصحیح و طبع م. ع. فروغی؛ ب. خزّمشاهی (تصحیح، مقدمه، تعلیقات و فهرس). (چاپ نهم). تهران: دوستان.

طباطبایی، س. ج. (۱۳۹۵). اندرزنامه‌نویسی خلاف آمد عادت سعدی. سعدی‌شناسی، شماره ۱، صص. ۱۱۷-۱۵۳.

طباطبایی، س.ج. (۱۴۰۰). تاریخ اندیشه سیاسی در ایران: ملاحظات در مبانی نظری. تهران: مینوی خرد.

ظهیری‌ناو، ب.؛ پاک‌مهر، ع. (۱۳۸۷). اندیشه‌های سیاسی و حکومتی سعدی در بوستان و گلستان. پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۸، صص. ۹۹-۱۲۲.

فولر، گ. (۱۳۸۷). قبله عالم. ع. مخبر (مترجم). تهران: نشر مرکز.

قرلسفلی، م.ت. (۱۴۰۱). دلهره هستی؛ درآمدی بر اندیشه سیاسی اضطراب. تهران: خاموش.

قوام، ع. (۱۳۹۴). سیاست‌شناسی: مبانی علم سیاست. تهران: سمت.

کوزر، ل. (۱۳۷۷). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. م. ثلاثی (مترجم). تهران: علمی.

ماسه، ه. (۱۳۶۹). تحقیق درباره سعدی. غ.ح. یوسفی (مترجم). تهران: توس.

منوچهری، ع. (۱۳۹۷). پارادایم نصیحت. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

موحد، ض. (۱۳۹۹). سعدی. (چاپ هفتم). تهران: نیلوفر.

میلانی، ع. (۱۳۸۷). تجدد و تجدیدستیزی در ایران. (چاپ هفتم). تهران: اختران.

هاتسک، ا.؛ ویکنز، جی.ام. (۱۳۸۳). گلستان و بوستان: پیشگفتار. تهران: هرمس و مرکز گفتگوی تمدن‌ها.

هلد، دیوید. (۱۳۸۴). مدل‌های دموکراسی. ع. مخبر (مترجم). تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

هراری، ی.ن. (۱۳۹۷). انسان خردمند: تاریخ مختصر نوع بشر. ن. گرگین (مترجم). تهران: فرهنگ نشر نو.

هیوود، ا. (۱۴۰۰). سیاست. ع. عالم (مترجم). تهران: نی.

References

- Adams, Y., & Dyson, R. (2020). *Fifty great political thinkers* (P. Izadi, Trans.). Tehran: Sales.
- Ahmadvand, S., & Shojaei, S. M. S. (2022). Governance and the legitimacy of obedience in Saadi's Golestan. *Mahnameh Elmi Jame'e Shenasi Siasi Iran*, 5(4), pp. 1486-1499.
- Akhavan Kazemi, B. (2004). The bond of literature and politics: Justice and uprising in Saadi's political thought. *Ettela'at-e Siasi Eghtesadi*, (203-204), pp. 128-133.
- Al-e Ghafour, S. M. T. (1996). The role of culture in the structure of contemporary Iran. *Naqd va Nazar*, 2(3-4), pp. 112-137.
- Almond, G.A. & Verba, S. (1963). *The civic culture political attitudes and democracy in five nations*. Princeton, New Jersey.: Princeton University press.
- Azghandi, A. R. (2000). *Inefficiency of Iran's political elites between two revolutions* (2nd ed.). Tehran: Qoqnoos.
- Azghandi, A. R. (2012). *Saadi's political thoughts*. Tehran: Qoqnoos.
- Azghandi, A. R., & Delavar, A. (2010). The role of the political culture of ruling elites in the fall of Mohammad Reza Shah (Case study of Prime Minister Hoveyda from February 1965 to August 1977). *Rahyaf-haye Siasi va Beynolmelali*, (23), pp. 51-75.
- Bashiriyeh, H. (2002). *Political sociology* (The role of social forces in political life). Tehran: Ney.
- Bashiriyeh, H. (2005). *Teaching political knowledge: Foundations of theoretical and foundational political science*. Tehran: Negah-e Moaser.
- Bashiriyeh, H. (2008). *Obstacles to political development in Iran*. Tehran: Gam-e No.
- Coser, L. (1998). *Masters of sociological thought: Ideas in historical and social context* (M. Salasi, Trans.). Tehran: Elmi.

- Dashti, A. (1977). *The domain of Saadi* (5th ed.). Tehran: Amirkabir.
- Delavar, A. (2008). The political culture of elites in the Second Pahlavi era. *Goftegu*, (52), pp. 111-140.
- Ebrahimi Dinani, G. H. (2013). Theoretical wisdom and practical wisdom in the works of Saadi. *Saadi Shenasi*, 16, pp. 24-32.
- Evans, M. (2004). Elitism (M. Shahabi, Trans.). *Farhang-e Andisheh*, 3(10), pp. 11-33.
- Fuller, G. (2008). *The center of the universe* (A. Mokhbar, Trans.). Tehran: Markaz.
- Ghavam, A. (2015). *Politics: Foundations of political science*. Tehran: SAMT.
- Ghezelsafli, M. T. (2022). *The anxiety of existence; An introduction to the political thought of anxiety*. Tehran: Khamoosh.
- Haghjoo, S. (2002). Saadi's political wisdom (An ethical intermediary between the superior and the subordinate and its literature). *Pajouheshnameh Oloum Ensani va Ejtemaei*, 2(6-7), pp. 97-117.
- Harari, Y. N. (2018). *Sapiens: A brief history of humankind* (N. Gargin, Trans.). Tehran: Farhang Nashr No.
- Hatschek, E., & Wickens, G. M. (2004). *Golestan and Bustan: Preface*. Tehran: Hermes & Markaz-e Goftoguye Tamaddon-ha.
- Held, D. (2005). *Models of democracy* (A. Mokhbar, Trans.). Tehran: Rowshangaran va Motale'at-e Zanan.
- Heywood, A. (2021). *Politics* (A. Alem, Trans.). Tehran: Ney.
- Juvayni, A. (2008). *The history of the world conqueror* (M. Qazvini, Ed.). Tehran: Hermes.
- Khorshidi, M., & Haghighat, S. S. (2018). Saadi and the constructive intellectual traditions of political custom. *Pajouheshnameh Oloum Siasi*, (21), pp. 37-72.
- Manouchehri, A. (2018). *The paradigm of advice*. Tehran: Pazhouheshkadeh Tarikh Eslam.

- Massé, H. (1990). *Research on Saadi* (G. H. Yousefi, Trans.). Tehran: Toos.
- Milani, A. (2008). *Modernity and anti-modernity in Iran* (7th ed.). Tehran: Akhtaran.
- Movahed, Z. (2020). *Saadi* (7th ed.). Tehran: Niloufar.
- Omidbakhsh, A. R., & Jalali, M. A. (2021). An investigation of the relationship between master and subject in Saadi's political views from the perspective of new historicism. *Adab Parsi*, 12(2), pp. 93-124.
- Rafipour, F. (1999). *Anatomy of society: An introduction to applied sociology*. Tehran: Sherkat Sahami Enteshar.
- Rocher, G. (2004). *Social change* (15th ed., M. Vosoughi, Trans.). Tehran: Ney.
- Saadi, M. (2023). *Kulliyat-e Saadi* (Based on the correction and publication of M. A. Foroughi; B. Khorramshahi, Ed., Intro., Annotations, & Indexes, 9th ed.). Tehran: Doostan.
- Sariolghalam, M. (2007). *The political culture of Iran*. Tehran: Pazhouheshkadeh Motale'at Farhangi va Ejtemaei.
- Servat, M. (2009). Politics of cities from Saadi's perspective. *Tarikh Adabiyat*, 60(3), pp. 5-19.
- Skinner, Q. (2014). *Visions of politics* (F. Majidi, Trans.). Tehran: Farhang-e Javid.
- Tabatabaei, S. J. (2016). Saadi's unconventional advice literature. *Saadi Shenasi*, (1), pp. 117-153.
- Tabatabaei, S. J. (2021). *History of political thought in Iran: Considerations on theoretical foundations*. Tehran: Minouye Kherad.
- Zahiri Nav, B., & Pakmehr, A. (2008). Saadi's political and governmental thoughts in Bustan and Golestan. *Pajouheshnameh Oloum Ensani*, (58), pp. 99-122.
- Zarrinkoub, A. (2000). *Saadi's sweet Discourse: About the life and thought of Saadi*. Tehran: Sokhan Publications.
- Zonis, M. (2008). *The political elite of Iran* (P. Salehi, S. Aminzadeh, & Z. Labadi, Trans.). Tehran: Chapakhsh.